

مهارت‌ها و فنون مشاوره در تاریخ بیهقی

عفت نقابی^۱

جواد حبیبی‌زاده^۲

دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده:

تاریخ بیهقی یکی از امهات کتب ادبیات فارسی در حوزه نثر به شمار می‌رود؛ این کتاب که در برگیرنده حوادث دوران پادشاهی سلطان مسعود غزنوی است می‌تواند سندی بی‌بدیل و قابل اعتماد از عصر غزنویان و ترسیم‌کننده خوبی از اوضاع سیاسی، اجتماعی ایران در قرن پنجم باشد. برای بررسی یک اثر ادبی مانند تاریخ بیهقی که محصول تجربه خود نویسنده است، می‌توان از روان‌شناسی به عنوان علمی که به مطالعه رفتار انسان می‌پردازد و تناسب موضوع با ادبیات دارد استفاده کرد. ما در این مقاله سعی کرده‌ایم مهارت‌ها و فنون مشاوره را در تاریخ بیهقی با توجه به نظریات روان‌شناسی در حوزه مشاوره بررسی نماییم. بدین منظور روش‌های مشاوره و ویژگی‌های آن را تقسیم‌بندی کردیم؛ و ضمن برشمردن ویژگی‌ها و خصوصیات آنها در تاریخ بیهقی در نهایت به این نتیجه رسیدیم که آنچه باعث شکست مسعود در نبرد دندانقان شد مشاوران مسعود نبودند بلکه این شکست دلیلش استبداد مسعود، بی‌اعتمادی در لایه‌های مختلف دربار و عدم انسجام ارکان حکومتش بود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ بیهقی، سلطان مسعود، مشاوره، مشاور

^۱- دانشیار دانشگاه خوارزمی Neghabi_2007@yahoo.com

^۲- فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی J0yan1365@yahoo.com

مقدمه :

روانشناسی مشاوره یکی از رشته‌های کاربردی روانشناسی است. به عبارت دیگر، روانشناسی مشاوره، کاربرد روانشناسی در زمینه کمک به افراد برای حل مشکلات آنان است. مشاوران به عنوان افراد متخصص، با استفاده از دانش خود درباره رفتار انسان و مردمی که در شرایط گوناگون قرار دارند، کمک می‌کنند تا آنها بتوانند تصمیمی عاقلانه بگیرند.

در مسئله مشاوره دادن به پادشاه تعداد مشاور مطرح نیست بلکه آنچه اهمیت دارد کیفیت یک مشاور است که قابل توجه است. یک مشاور خوب می‌تواند با دادن راه حلی درست و به موقع از یک سری وقایع تلخ و ناگوار جلوگیری کند. بدون تردید همه پادشاهان، مدیران و سازمان‌های موفق نیازمند، مشاوران مجرب و دانشمند هستند و پادشاه و مدیری موفق است که از اینگونه مشاوران برخوردار باشد.

تاریخ بیهقی که یکی از آثار کلاسیک ادب فارسی است و نویسنده آن به دلیل جایگاهی که دارد مانند یک دوربین تمام وقایع را ثبت و ضبط کرده و ویژگی شخصیت‌های دربار را به خوبی نشان داده است. صداقتی که بیهقی در توصیف وقایع دارد باعث می‌شود تا اعتماد به سخنان او بیشتر شود و در سایه همین اعتماد است که می‌توان تصویر درستی از سیمای افرادی که بیهقی مطرح می‌کند ارائه داد. این افراد کسانی هستند که بیهقی خود آنها را از نزدیک دیده و لمس کرده و با سخنان آنها به خوبی آشنا است. با همین نگاه بیهقی است که ما از امثال بوسهل‌ها تنفر داریم و دلمان به حال حسنک‌ها می‌سوزد. ما در این مقاله سعی کرده‌ایم از همین نگاه بیهقی کمیت و کیفیت مشاوران سلطان مسعود غزنوی را براساس نظریات روان‌شناسی مشاوره مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

بیان مسئله :

مشاوره که یک نوع گفتگوی صمیمانه و همدلانه است باعث می‌شود که فرد در مواقعی بحرانی که قادر به تصمیم‌گیری نیست، با یک مشورت و راهنمایی درست بتواند یک تصمیم عاقلانه بگیرد و هدف از آن ایجاد یک رابطه‌ی حسنه می‌باشد. وظیفه‌ی مشاور هم در این حالت این است که به فرد احساس امنیت دهد، حالاتش را مورد ارزیابی قرار دهد و در نهایت اینکه از او حمایت کند.

پادشاهان موفق کسانی هستند که توانسته‌اند با استفاده از نیروهای لایق و مجرب بر مشکلات فایق شوند و در این زمینه دست به نوآوری و خلاقیت بزنند. پادشاه می‌تواند با بهره‌گیری از نظریات و تجارب ارزشمند این افراد به موفقیت چشمگیری دست یابد و حکومتش را از بحرانی که گریبان گیر اوست خارج کند. مشاوران مجرب و توانا می‌توانند در مواقع حساس و بحرانی به کمک پادشاه بشتابند و با بیان نقاط ضعف و قوت مسئله‌ی مورد نظر پادشاه را یاری دهند، تا پادشاه بتواند تصمیمات بهتری اتخاذ کند، و بدینوسیله با نظریات ارزشمند خود می‌تواند کشور را از بحران خارج کند و موجب بهبود وضع جامعه گردند.

در تاریخ بیهقی ما بارها شاهد این مسئله هستیم که مسعود در زمان‌های مختلف تشکیل جلسه می‌دهد، و از کارگزاران حکومتش که در واقع به نوعی مشاوران او نیز به شمار می‌آیند، می‌خواهد که نظراتشان را در رابطه با موضوع مورد نظر بیان کنند. آنها نیز به اندازه‌ی دانش، توان و جایگاهشان به بیان نقاط ضعف و قوت مسئله‌ی مورد نظر می‌پردازند. و این موضوع اهمیت و جایگاه مشاوره در تاریخ بیهقی را بیان می‌کند.

ضرورت و اهمیت تحقیق:

اهمیت تاریخ بیهقی بر هیچکس پوشیده نیست، کتابی که با نثر زیبایش همیشه مورد توجه و احترام بوده است. کتابی که با نثر فاخرش شیوه‌ای جدید در ادبیات فارسی بنا نهاد. یکی از

مسائل مورد اهمیت در تاریخ بیهقی مشاوره است که در این کتاب جایگاه والایی دارد. تشکیل جلسات مختلف توسط مسعود خود گویای اهمیت این موضوع است.

با توجه به مقدمات فوق، یعنی تشکیل جلسات متعدد توسط مسعود، در رابطه با مسائل و موضوعات مختلف، سوال اینجاست که او چرا با وجود داشتن مشاورانی آگاه مانند خواجه احمد عبدالصمد، بونصر مشکان و سایرین، از سجّلوقیان شکست خورد و نتوانست تصمیم مناسبی برای مقابله با آنها اتخاذ کند. با توجه به اهمیت این موضوع، این مقاله روشها و فنون مشاوره در تاریخ بیهقی را بررسی می‌کند.

روش و هدف‌های تحقیق:

روش کار این مقاله مبتنی بر روش توصیفی و تحلیل محتوایی متن کتاب تاریخ بیهقی، و به شیوه کتابخانه‌ای: یادداشت برداری و استخراج اطلاعات از متن است. اطلاعات استخراج شده بیشتر از منبع اصلی تحقیق (تاریخ بیهقی) و همچنین کتابهایی است که در رابطه با روشها و فنون مشاوره تالیف گردیده‌اند.

۱- مشاوره چیست؟

۲- اهمیت مشاوره تا چه اندازه است؟

۳- نقش مشاوران در تاریخ بیهقی و قدرت آنان در تاثیر گذاری بر سلطان مسعود چقدر است؟

پیشینه پژوهش:

هرچند تا کنون در مورد تاریخ بیهقی مقالات گوناگونی نوشته شده است و هر نویسنده‌ای این کتاب ارزشمند و ماندگار را، در ادب فارسی از دیدگاه خود بررسی کرده است اما در مورد

مشاوره در تاریخ بیهقی تا آنجا که نگارنده به کاوش در این زمینه پرداخته است، مقاله یا پایان‌نامه‌ای نگاشته نشده است.

بنابراین پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که مهارت‌ها و فنون مشاوره را در تاریخ بیهقی بررسی کرده و به آن از دیدگاه روان‌شناسی پرداخته است.

مباحث نظری تحقیق:

فنون مشاوره:

«فن به معنای راه، روش، هنر و شیوه است و منظور از فنون مشاوره، روشها و شیوه‌هایی است که در مشاوره، به اقتضای اصول و در جهت اهداف، به اجرا در می‌آید. مشاور، با توجه به اصول مشاوره و بهره‌گیری از فنون آن، مشورت‌کننده را در رسیدن به هدفهای مشاوره و حل مشکلات روانی او به طریق مؤثرتری یاری می‌کند. ناآگاهی مشاور از این فنون و ناتوانی وی در به کارگیری مؤثر آنها، باعث موفق نشدن او در انجام مشاوره است و مشورت‌کننده را نیز از رسیدن به هدفهایش باز می‌دارد.» (گلدارد، ۱۳۸۰، ۳۵)

تعریف مشاوره:

مشاوره عبارت است از کمک به افراد در انتخاب راه و عمل کردن بر اساس آن برای کسب سازگاری بهتر با خود و دیگران جهت حل مشکلات.

«هم‌چنین مشاوره فرآیندی تخصصی بین مراجع و مشاور است که از طریق آن مراجع با کمک مشاور به بررسی و تحلیل مشکلش اقدام می‌کند، بر نکات ناشناخته شخصیت خود آگاهی می‌یابد، بر اثر تعامل و رابطه مشاوره‌ای با مشاور، به جستجوی راه حل برای مشکلاتش می‌پردازد.» (شمشیری، ۱۰، ۱۳۹۱)

مشاوره به معنی همکاری کردن و رأی و نظر دیگری را در انجام کاری خواستن است. مشاوره جریانی است که در آن وجود ارتباط خاص بین مراجع و مشاور ضرورت دارد. «در واقع مشاوره فرآیندی آموزشی است که به رشد شخصیت فرد می‌انجامد. مشاوره رابطه‌ای هدف‌دار و پویاست که مراجع را در خودشناسی و تصمیم‌گیری مناسب و برآوردن نیازهایش یاری می‌دهد.» (همان، ۱۹)

مشاور چه کسی است ؟

مشاور فردی است که در شناخت مشکلات به فرد کمک می‌کند تا بتواند مشکلش را برطرف کند. به طور معمول، ما اغلب مشاوران روابط انسانی را افراد متخصصی تصور می‌کنیم: مانند روانپزشکان، روان‌شناسان، مشاوران، مددکاران اجتماعی و پرستاران روانی. با این حال، گروه زیادی از کارکنان خدمات انسانی برای طیف وسیعی از مراجعان در موقعیت‌های خصوصی و عمومی خدمات مشاوره‌ای مستقیم یا غیر مستقیم ارائه می‌دهند. برخی از این افراد، مشاوران حرفه‌ای هستند و برخی دیگر مشاوران نیمه حرفه‌ای. همچنین مشاوران غیررسمی مانند دوستان، اقوام، داوطلبان و همسایگان نیز به طور رسمی یا غیررسمی در نقش مشاور عمل می‌کنند. آنچه این مشاوران را از همدیگر متمایز می‌کند، سطح مهارت‌ها و دانش‌های آنان است. (رک، شمشیری، ۱۳۹۱، ۵۳)

چه عواملی موجب موفقیت یک مشاور می‌شود ؟

مشاور موفق با رویکردها و راهبردهای مختلف آشنا است. در اختیار داشتن دامنه وسیعی از راه حل‌های مختلف، مشاور را قادر می‌سازد تا راهبردهایی را انتخاب کند که به احتمال زیاد نیازهای مراجع خاص را برآورده می‌کند. به عبارت دیگر، ادراکات، نگرش‌ها، طرز فکر و احساس‌های هر فرد بر نحوه تفسیر و استفاده او از یک نظریه تاثیر می‌گذارد.

اعتماد در اثر مهارت‌های ارتباطی، در یک بافت همدلانه به وجود می‌آید. همدلی یعنی درک احساس‌ها و هیجان‌های فرد از دیدگاه او، که برای اثربخشی مهارت‌های ارتباطی، بسیار مهم و ضروری است. بنابراین مهارت‌های ارتباطی همدلانه که موجب ایجاد اعتماد بین مشاور و مراجع می‌شود برای اثربخشی کل فرایند مشاوره، بسیار ضروری است. مشاور باید توجه داشته باشد که بین گروه‌های مختلف از نظر شیوهٔ ابراز همدلی تفاوت‌های مختلفی وجود دارد. به عبارت دیگر، رفتاری که ممکن است از نظر یک فرد همدلانه باشد احتمال دارد برای فرد دیگر چنین نباشد. بنابراین انتخاب راهبردها متأثر از عوامل فرهنگی است. (ر، ک، ولفل، ۱۳۸۸، ۹۲)

مشاوره در تاریخ بیهقی:

انواع مشاور بر اساس معلومات

مشاور بر اساس داشتن دانش و آگاهی به مشاور حرفه‌ای، مشاور نیمه حرفه‌ای و مشاور غیر حرفه‌ای تقسیم می‌شود. (کری، ۱۳۹۳، کل اثر)

الف - مشاوران حرفه‌ای

مشاوران حرفه‌ای متخصصانی هستند که در زمینهٔ مطالعهٔ رفتار انسان و یادگیری راهبردهای عملی مشاوره دوره‌های خاصی را گذرانیده‌اند. نقش منحصر به فرد این افراد در حرفه‌ی مشاوره، داشتن اطلاعات و داشتن تجربه در زمینه‌های گوناگون است.

در تاریخ بیهقی به طور قطع تنها کسانی که این خصوصیت را دارا هستند دو وزیر مسعود خواجه احمد حسن، خواجه احمد الصمد و بونصر مشکان می باشند و در میان این سه تن خواجه احمد عبد الصمد چهرهٔ درخشانتری دارد.

خواجه احمد حسن: در رابطه با خواجه احمد حسن کفایت او در نصب بوسهل زوزنی به شغل عرض و مخالفت او با بردار کردن حسنک قابل ذکر است اما مهمترین مورد مشاوره او به مسعود در باب ری و منصوب کردن تاش فراش به سپهسالاری آنجاست. بعد از نصب حسن سلیمان به شحنگی ری و پیروزی او بر آل بویه شحنة ری به مسعود پیام می‌فرستد تا هرچه سریعتر سالاری محتشم و کاردان به شحنگی آنجا منصوب کند و مسعود که در این مورد دست از استبداد بر می‌دارد، و با وزیرش به مشورت می‌پردازد خواجه با درایتی که دارد اوضاع ری را به خوبی برای مسعود تبیین می‌کند؛ و به او یادآور می‌شود که ری ولایتی بزرگ است و حکومت سامانیان و آل بویه به خاطری ری منقرض شدند. بنابراین باید مسعود حواسش را جمع کند تا فردی با تجربه و کاردان در آنجا گمارد و پس از برشمردن بزرگان دربار سلطان مسعود، در نهایت سلطان مسعود تاش فراش را به سپهسالاری ری منصوب می‌کند.

بونصر مشکان: بونصر مشکان هم که دبیر دیوان رسالت بود هر موقع که مسعود از وی مشاوره می‌خواست به خوبی اوضاع و احوال را برای مسعود تبیین و او را از عاقبت وخیم کاری که می‌خواست انجام دهد آگاه می‌کرد. نمونه این کار هشدار دادن به مسعود در مورد بازگرداندن ترکمانان بود که از او خواست این کار را انجام ندهد زیرا از آنها صلاح نیاید اما در آخر «خراسان بر سر این کار شد» و در نهایت هم در نبرد دندانقان از آنها شکست خورد و جان خود را بر سر این کار نهاد.

خواجه احمد عبدالصمد: اما چهره بی‌بدیل مشاوران مسعود بدون هیچ اغراقی خواجه احمد عبدالصمد است. همان کسی که اگر مسعود به نصایح مشفقانه او گوش می‌داد شاید می‌توانست سالیان طولانی‌تری بر تخت شاهنشاهی غزنوی تکیه بزند. در مورد کفایت او در تاریخ بیهقی به موارد زیادی برخورد می‌کنیم: مانند نقشه زیرکانه او در قتل هارون پسر خوارزمشاه آلتون‌تاش و راحت شدن خیال مسعود در باب خوارزم. اما یکی از مهمترین

مشاوره‌های او به مسعود که با دیده حقارت به آن نگریسته شد مخالفت او با رفتن مسعود به آمل بود. او مشفقانه به مسعود توصیه کرد که از رفتن به آمل منصرف شود زیرا علی تگین مرده است و اوضاع خراسان نیز چندان امن و امان نیست. بهتر است به جای رفتن به آنجا در نیشابور اقامت کند و تا اوضاع را سروسامان نداده است از خراسان بیرون نرود. اما مسعود که به سخنان مشاوره ناآگاهش عراقی دبیر که در گوش وی قرارداد داده بود که در آمل هزاران مرد است و اگر از هر کدام هزار دینار مالیات بگیرد خزانه وی آبادتر می‌شود گوش سپرده بود عازم آمل شد، اما خواجه که می‌دانست این سخنان دروغی بیش نیست مسعود را هشدار داد که گول نخورد ولی مسعود به سخنان وزیرش واقعی ننهاد و نه تنها چیزی به خزانه او وارد نشد بلکه بخاطر مالیات سنگینی که بر آملیان وضع کرد «بهشت آمل را دوزخ کرد» و در نهایت هم خراسان آشفته‌تر از قبل شد و از زیر سلطه حکومت مسعود خارج شد و ترکمانان هم در نامه‌ای که به سوری صاحب دیوان مسعود در خراسان نوشتند خواستار واگذاری مرو و سرخس به آنها شدند.

اگر در این ماجرا مسعود به حرفهای وزیرش گوش می‌داد و به جای رفتن به آمل در همان نیشابور می‌ماند شاید حوادث تلخی که در آینده برایش پیش آمد: مانند نبرد دندانقان، هیچوقت به وقوع نمی‌پیوست و در همین سال ۴۲۶ می‌توانست بر ترکمان غلبه کند و غائله فتنه آنان را برای همیشه پایان دهد.

ب - مشاوران نیمه حرفه‌ای

در مواقعی که مشاوران حرفه‌ای بر حسب ضرورت به فعالیتهای دیگری می‌پردازند، بسیاری از کارها را مشاوران نیمه حرفه‌ای انجام می‌دهند.

در تاریخ بیهقی در این مورد فقط می‌توان از بوسهل زوزنی نام برد زیرا او تنها کسی است که همواره مورد اعتماد مسعود است و مسعود همیشه با او در ارتباط است و می‌بینیم که وقتی در

دامغان به خدمت مسعود می‌رسد مسعود با او خلوتی طولانی می‌کند و «به شبهه وزیری» مبدل می‌شود.

دلیل اینکه نام او را جزء مشاوران نیمه حرفه‌ای قرار دادیم این است که هر چند او به شدت مورد اعتماد مسعود بود و در همهٔ امور به مسعود مشاوره می‌داد اما به گواه بیهقی چون او درک درستی از اوضاع نداشت و نمی‌توانست مسائل را به خوبی تحلیل کند معمولاً مشاوره‌های او نتیجهٔ مطلوبی برای حکومت مسعود در پی‌نداشت هر چند سعی می‌کرد با دقت تمام جوانب را نگاه دارد.

در تاریخ بیهقی از این گونه مشاوره‌های بوسهل موارد زیادی می‌توان بیان کرد مانند پس گرفتن هدایایی که امیرمحمد در زمان اندک حکومتش به اطرافیانش بخشیده بود که نتیجه‌ای جزء زشت نامی نداشت؛ یا قتل حسنک وزیر.

اما مهمترین مشاورهٔ نابجای بوسهل و توجه نداشتن به عاقبت وخیم آن، توطئهٔ قتل خوارزمشاه آلتون‌تاش بود هر چند او تمام جوانب را سنجیده بود که توطئه‌اش لو نرود، اما توطئه‌اش افشا شد و خودش هم مدتی محبوس شد و ریاست دیوان عرض را که داشت از دست داد.

ج - مشاوران غیر حرفه‌ای

مشاوران غیر حرفه‌ای افرادی هستند که معمولاً هرازگاهی کمک‌های مهمی ارایه می‌دهند.

در کتاب ارزشمند تاریخ بیهقی جزء اسامی افرادی که ذکر شد ما بقی اطرافیان مسعود که به او مشاوره می‌دادند همه در این گروه قرار می‌گیرند و همین نا آگاهی آنان و همچنین استبداد مسعود بود که حکومت او را به ورطهٔ سقوط کشاند و باعث شد که مسعود علی‌رغم اینکه از

لحاظ نیرو بر ترکمانان چیرگی داشت همیشه از آنان شکست بخورد و در سال ۴۳۲ در نبرد دندانقان طومار حکومت مستبدانه‌اش در هم بییچد.

در مورد افرادی که در این گروه در خشش داشتند و مشاوره آنها اندکی به کمک مسعود آمد قطعاً عمه مسعود حره ختلی درخشش بیشتری دارد. او همان کسی بود که به موقع مسعود را از مرگ محمود آگاه کرد.

«خداوند ما سلطان محمود نماز دیگر روز پنجشنبه هفت روز مانده از ربیع الآخر گذشته شد و پس از دفن سوران مسرع رفتند هم در شب به گوزگانان تا برادر محمد بزودی اینجا آید و بر تخت نشیند و عمه‌ات به حکم شفقت که دارد هم در این شب ملطفه‌ای نوشت و امیر داند که از برادر این کار بزرگ برنیاید و این خاندان را دشمنان بسیارند باید که به زودی این کار دست گیرد که ولی عهد پدر است و مشغول نشود بدان ولایت که گرفته است که آن کارها که تا اکنون می‌رفت، بیشتر به حشمت پدر بود و چون خبر مرگ وی آشکار گردد کارها از لونی دیگر گردد و اصل غزنین است و آنگاه خراسان» (فیاض، ۱۳۸۳، ۵۱) و مسعود در اینجا به توصیه عمه‌اش گوش فرا داد و به تاج و تخت غزنوی رسید.

اقسام روشهای مشاوره

«مشاور برای کمک به مراجع در جریان مشاوره و حل مشکل او باید از روش‌های مناسبی استفاده کند. در انتخاب این روش‌ها عوامل متعددی از جمله: شخصیت مشاور، نگرش او نسبت به ماهیت انسان، نوع مشکل و امکانات محیطی دخالت دارند. روش‌های مشاوره از نظر

^۱ارجاع‌های کتاب تاریخ بیهقی از نسخه تک جلدی مرحوم دکتر فیاض می‌باشد که شماره صفحه، داخل پرانتز ذکر شده است.

میزان فعالیت مراجع و مشاور در جلسه مشاوره، به مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند.» (شفیع آبادی، ۱۳۹۴: ۴۴)

الف - روش مستقیم

یک نظریه این است که مشاور، محور بحث را در اختیار گیرد و از تکنیک‌ها و فنون مشاوره بسیار استفاده کند و در تشخیص علت‌های ناراحتی فرد بکوشد و راه حل‌های مناسب را به وی پیشنهاد یا تکلیف نماید.

خواجه احمد عبدالصمد زمانی که مسعود در سال ۴۲۸ تصمیم گرفته بود به نبرد هانسی برود بخاطر ادای نذری که بر گردنش بود در آنجا صریح و بی‌پروا به مسعود می گوید که من اصلاً موافق رفتن تو به هندوستان و فتح قلعه هانسی نیستم و بهتر است که به جای این سفر به بلخ و از آنجا به مرو بروی تا خراسان و ری که بخاطر ترکمانان اوضاع آشفته‌ای دارند سرو سامان داده شوند و سپس بعد از این کارها می‌توانی به ادای نذرت پردازی و اگر صرفاً فقط قصدت ادای نذر است لشکر لوهور را به آنجا بفرست و خودت در خراسان بمان تا هم خراسان مضبوط بماند و هم نذرت ادا شود. (ر،ک ۵۰۱) اما مسعود در پاسخش می گوید: من این «نذر» است که در گردن من آمده و به تن خویش خواهم کرد و اگر بسیار خلل افتد در خراسان روا دارم» (۵۰۱) و خواجه در جواب می‌گوید من به مقدار دانشم نظرم را بیان کردم امیدوارم مشکلی پیش نیاید.

همانطور که مشاهده می‌کنیم مشاور خردمند مسعود آگاهانه و با دقت تمام او را از وضعیت زمانه و شرایط آگاه کرد اما این مسعود بود که به نصایح وزیرش وقعی ننهاد و سرانجام هم از این سفر پشیمان می‌شود و اوضاع خراسان آشفته‌تر از قبل می‌شود.

ب - روش غیر مستقیم

نظریه دیگر در روش مشاوره این است که مشاور، در مشاوره، محیط گرم و پذیرا را برای فرد فراهم کند تا او با آسودگی و دلگرمی به گفتگو و دادن اطلاعات لازم در مشاوره اقدام نماید. و نیز هدایت و رهبری بخش مهمی از فعالیتهای جلسه مشاوره را به عهده او گذارد تا خود او به راه حل مناسب برسد.

در سال ۴۲۱ زمانیکه مسعود توسط عمه‌اش از مرگ پدرش آگاه می‌شود و از سپاهان به سمت غزنین در حرکت است وقتی به ری می‌رسد با طاهر دبیر در مورد ری به مشورت می‌پردازد که ما باید هرچه سریعتر به غزنین بازگردیم و به ناچار باید شحنةای در اینجا قرار دهیم در اینجا طاهر با داریتی که دارد به مسعود آرامش می‌دهد تا مسعود با دقت و آرامش بیشتری بتواند فرد مورد نظرش را برای حکومت ری انتخاب کند و به او زیرکانه می‌گوید هرکس که بایستد با بی‌میلی می‌ایستد و بدان اگر مردم ری وفادار باشند هرکس که باشد مسئله‌ای پیش نخواهد آمد اما اگر بی‌وفایی کنند حتی اگر لشکر بی‌اندازه‌ای هم اینجا بگذاری کاری از پیش نخواهی برد.

در اینجا می‌بینیم که طاهر غیر مستقیم به مسعود می‌گوید ابتدا باید از مردم ری بیعت بگیری و خیالت از بابت آنها راحت شود. و بعد از آن هرکسی را که دوست داری می‌توانی به حکومت ری منصوب کنی. و درنهایت مسعود، همین کار را انجام داد و در ضمن گفتگو با اعیان ری از آنها بیعت گرفت و مردم ری هم بعد از اینکه حسن سلیمان حاکم شهرشان شد و مسعود رهسپار دامغان، در نبرد با مغرور آل بویه وفاداریشان را به مسعود و حکومت او ثابت کردند.

روشهای مشاوره :

الف - روش تعقلی در مشاوره

قدیمی‌ترین روش مشاوره که در بین انسانها معمول بوده است؛ روش تعقلی است. در این روش، مشاور همانند معلم و راهنما عمل می‌کند و جریان مشاوره و راهنمایی یک جریان

تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. و از خصوصیات آن این است که مشاور، سعی دارد مراجعه کننده را با واقعیت آشنا سازد و وی را از افکار، تصورات و وابستگیهای غلط برهاند. (ر،ک، گیسون، ۱۳۸۶، ۱۲۰)

بعد از شکست مسعود در داندانقان و بازگشت او به غزنین، وقتی که تصمیم می‌گیرد با تمام اهل حرمش به هندوستان سفر کند در اینجا، خواجه احمد عبدالصمد از روی تدبیر و خرد به مسعود می‌گوید، این اقدام تو فوق العاده خطرناک است و در نامه‌ای که به مسعود می‌نویسد می‌گوید:

«اگر خداوند حرکت از آن می‌کند که خصمان به در بلخ جنگ می‌کنند ایشان را آن زهره نبود که فرا شهر شوند. اگر خداوند فرمان دهد بندگان بروند و مخالفان را از آن نواحی دور کنند. خداوند را به هندوستان چرا باید بود؟ این زمستان در غزنی باشد. اگر خداوند به هندوستان رود و حُرْم و خزائن آنجا برد و این خبرها منتشر گردد و به دوست و دشمن برسد آب این دولت بزرگوار ریخته شود و نیز بر هندوان اعتماد نیست که چندان حرم و خزائن به زمین ایشان باید برد. و دیگر بر غلامان چه اعتماد است که خداوند را خزائن در صحرا بدیشان باید نمود؟ اگر خداوند برود بندگان دل شکسته شوند و بنده این تصیحت بکرد و حق نعمت بگزارد.» (۶۳۰-۶۳۱).

همانطور که مشاهده می‌کنیم خواجه، در این نامه مسعود را از رفتن برحذر می‌دارد اما متأسفانه مسعود به به جای اینکه به این نصایح عاقلانه گوش دهد می‌گوید: «این مرد خرف شده است و نداند که چه می‌گوید» (۶۳۱). و بر تصمیمش اصرار می‌ورزد و در نهایت هم در این سفر جانش را از دست می‌دهد، و طومار حکومت مستبدانه‌اش بعد از ده سال درهم پیچیده می‌شود.

ب - روش تحلیل روانی

در روش تحلیل روانی، مشاور به مطالعه نقش احساسات و عواطف می‌پردازد و در صدد است مشکلات عاطفی مراجعه کننده را حل نماید. این روش بر این فرضیه استوار است که هر مشکل و اختلال رفتاری و شخصیتی که در فرد به وجود می‌آید، نتیجه اضطرابهایی است که شخص در گذشته به آنها مبتلا شده است. با روش تحلیل روانی، آن اضطرابها، تحریکات و عوامل، شناسایی می‌شوند و مراجعه کننده از واقعیت وجود خود، آگاه می‌گردد و می‌فهمد که از عیب و نقص، عاری نیست، استعدادها، توانمندیها و قدرت درکش محدود است. (رک، گیبسون، ۱۳۸۶، ۱۲۰)

در سال ۴۳۱ که مسعود از ترکمانان به ستوه آمده بود، او که در نیشابور مقیم بود و نیشابور در خشکسالی می‌سوخت؛ وقتی تصمیم گرفت به مرو برود اعیان و بزرگان دولتش او را از رفتن به سمت مرو نهی کردند. و گفتند اوضاع مرو هم بهتر از نیشابور نیست و بهتر است به هرات بروی تا هم از این خشکسالی خلاص شویم و هم فکری اساسی برای نبرد با ترکمانان کنیم. اما مسعود براساس همین نظریه که قدرت درکش کم شده بود و دائم از دست ترکمانان در اضطراب و تشویش بود در جواب آنها می‌گوید: «شما همه قوادان زبان در دهان یکدیگر کرده‌اید و نمی‌خواهید تا این کار برآید تا من در این رنج می‌باشم و شما دزدی می‌کنید. هیچ خواست ایشان نیست که این کار برگزاده آید تا من از این درد و غم ایمن باشم من به همه حال بخوادم رفت سوی مرو» (۵۷۸). اگر مسعود کمی قدرت درکش را بالا می‌برد و به سخنان اطرافیانش با دقت و تأمل بیشتری می‌نگریست و به جای رفتن به مرو عازم هرات می‌شد نه تنها گرفتار نبرد دندانقان، که در راه سفر به همین مرو رخ داد نمی‌شد بلکه می‌توانست در هرات با آرامش بیشتری اوضاع ترکمانان را بررسی کند و تدبیری اساسی برای نبرد با آنها بیاندیشد اما با «قضای آمده بر نتواست آمد».

تکنیکهای مشاور

ویژگی‌های و مهارت‌های مشاور:

یک مشاور برای دادن مشاوره باید داری یک سری ویژگی‌ها و مهارت‌های خاصی باشد تا بتواند به نحو احسن وظیفه خود را انجام دهد. از جمله شاخصه‌های یک مشاور که در کتب مشاوره روی آن تاکید شده است «رازداری»، درک پویایی زمان، پختگی و انعطاف پذیری می‌باشد.» (گل‌دینگ، ۱۳۹۳، کل اثر)

الف- راز داری :

رازداری که مهم ترین اصل یک مشاوره است. مشاور باید در مسائل مربوط به کسی که به او مشاوره می‌دهد اسرارش را حفظ کند. اگر مشاور دارای این خصیصه نباشد تبعات جبران ناپذیری به کسی که مشاوره داده است تحمیل می‌کند.

در تاریخ بیہقی این ویژگی به ندرت دیده می‌شود و مشاوران مسعود اسرار حکومتی او را فاش می‌کردند. و این رویه در تمام ارکان حکومت او جاری بود. در ماجرای فرو گرفتن امیر یوسف چاکر و مشاور نزدیکش طغرل که امیر یوسف او را از جان عزیزتر می‌داشت بر او مشرف بود و اسرارش را فاش می‌کرد.

اما در مورد مشاوران نزدیک خود سلطان مسعود هم، باید گفت که بعد از بوسهل زوزنی که مورد اعتمادش بود و همیشه به او مشاوره می‌داد نزدیکترین فرد به او عبدوس بود. بوسهل زوزنی بر خلاف چهره زشت و منفورش در تاریخ بیہقی در مورد رازداری مخدوم خود نهایت دقت را داشت و هرگز اسرار مسعود را فاش نکرد. در ماجرای توطئه قتل خوارزمشاه آلتون‌تاش، این بوسهل زوزنی بود که با رازداری خود تمام جوانب را نگاه داشت تا به مقصود برسند و حتی از افشای آن نزد چاکر خود هم خودداری کرد. اما علت لو رفتن توطئه، افشای خود سلطان مسعود بود که آن را به مشاور و معتمدش عبدوس گفت و عبدوس این ماجرا را برای بوالفتح حاتمی تعریف کرد، و او هم آن را به مسعدی وکیل در خوارزمشاه گفت، و در نهایت هم ماجرا لو رفت. در این ماجرا بوسهل زوزنی تمام جوانب را در نظر گرفته بود حتی

نامه‌هایی که از دربار به سمت خوارزم می‌رفت را واری می‌کرد تا توطئه برملا نشود. و در نهایت هم خود بوسهل بود که فهمید توطئه قتل خوارزمشاه لو رفته است. بعد از لو رفتن این توطئه مسعود عبدوس را سرزنش کرد و به او گفت که شایسته رازداری نیست و حاتمی هم ۵۰۰ چوب خورد و شغل اشراف بلخ را که داشت از او پس گرفتند.

ب - درک پویایی زمان :

مهم‌ترین مهارت یک مشاور درک درست نسبت به زمان است و بداند در حال و آینده قرار است که چه اتفاقی رخ دهد. و از گذشته نیز تقریباً اطلاع کامل داشته باشد و اگر این قدرت را نداشته باشد باید چه بسا مصائب سنگینی را بر فرد تحمیل کند.

در تاریخ بیهقی شاید به جرات بتوان گفت که در میان مشاوران مسعود تنها افراد معدودی بودند که این خصوصیت را داشتند. در آن هیاهوهای جاه طلبانه دربار مسعود فقط خواجه احمد حسن میمندی، خواجه احمد عبدالصمد و بونصر بودند که دور اندیش بودند.

بونصر مشکان: یگانه شخصیت نیک خواه و نیک اندیش و گریزان از جاه طلبی های دربار. احتیاط و دوراندیشی او باعث شد که همیشه مورد توجه سلطان باشد و در محیط پردسیسه دربار مجالی برای توطئه چینی بر ضد او نباشد.

بونصر گویا از آنچه که قرار است رخ بدهد خبر داشت. وی وقتی که نامه ی سوری صاحب دیوان خراسان که در سال ۴۲۶ از ترکمانان شکست خورده بود و در آمل پیش باکاليجار پناهنده شده بود به دربار رسید و در آن نامه درخواست ترکمانان مبنی بر واگذاری ولایت نسا و فراوه را مطرح کرده بود با صراحت تمام گفت: «که ای بوالفضل خراسان شد.»

خواجه احمد حسن میمندی: او نخستین وزیر مسعود بود. هرچند در ابتدا از پذیرش این مسئولیت شانه خالی می‌کرد اما در نهایت آن را پذیرفت. در مورد کفایت و کاردانی او همین

بس است که پس از مرگ او بیهقی گفته است: «به مرگ این محتشم شهامت، دیانت، کفایت و بزرگی بمرد.» (۳۴۶). کفایت و کاردانی او در ماجرای توطئه قتل خوارزمشاه آلتون‌تاش باعث شد ماجرا برای مسعود ظاهراً ختم به خیر شود. او با توجه به موقعیت و شرایط به مسعود می‌گوید که: «اصل این تباهی از بوسهل بوده است و آلتون‌تاش از وی آزرده است. او را فدای این کار باید کرد چنان که بدگمانی آلتون‌تاش زائل شود هر چند به درگاه نیاید باری با مخالف یکی نشود و شری نیانگیزد.» (۳۱۲).

خواجه احمد عبدالصمد: بعد از توطئه نافرجام قتل خوارزمشاه آلتون‌تاش که به آن اشاره شد مسعود که به شدت از خوارزمشاه بدبین است وی را به جنگ علی‌تگین یکی از دشمنان دولت غزنویان می‌فرستد تا خوارزمشاه وفاداریش را به مسعود ثابت کند در این جنگ تیری به خوارزمشاه اصابت می‌کند و شب بعدش می‌میرد.

اما آنچه که در اینجا اهمیت دارد کفایت و کاردانی خواجه احمد عبدالصمد است. پس از مرگ خوارزمشاه خواجه احمد برای آنکه ماجرای مرگش فاش نشود همان شبانه با علی‌تگین صلح می‌کند، همچنین از درست کردن تابوت و امثال آن خودداری می‌ورزد و شبانه او را در مهد قرار می‌دهد و به فیل بان می‌گوید که خوارزمشاه بخاطر جراحت نمی‌تواند بایستد به این خاطر دارز کشیده است و آرام باید حرکت کرد و از آنجا که بعضی از لشکریان خوارزمشاه از مرگ او با خبر بودند خواجه با درک درستش از موقعیت و زمان قرار گرفتن در آن، برای جلوگیری از شورش آنها، اقدام به خلع صلاح آنها کرد و تا نزدیکی خوارزم مرگ خوارزمشاه را علنی نکرد و همچنین صلاح را به لشکریان باز پس نداد.

ج- درک درست موضوع و پختگی مشاور:

شناخت دقیق مشاور بر موضوع و درک درست آن در یک مشاوره اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و مشاور می‌تواند با درک درست خود از موضوع یک رابطه دوستانه و صمیمی با مراجعه

کننده به وجود بیاورد. در تاریخ بیهقی هرچند این مراجعه کننده مسعود است و نباید استبداد شدید او را از نظر دور داشت اما در مورد این مهارت هم باید اذعان کرد که در میان مشاوران مسعود تنها کسانی که یک مسئله را به خوبی درک می کردند و به پختگی کامل رسیده بودند بونصر مشکان، خواجه احمد حسن، خواجه احمد عبدالصمد و خوارزمشاه آلتونتاش می باشند.

خوارزمشاه آلتونتاش: فردی زیرک و کاردان. اوتا زمانیکه در دربار مسعود بود از هیچگونه مشاوره درست به مسعود امتناع نکرد. او مردی جهاندار و سرد و گرم چشیده بود و همواره سعی می کرد خود را از دامی که برای او نهاده بودند بر حذر بدارد.

در تاریخ بیهقی نخستین جایی که از خوارزمشاه سخن به میان می آید هنگام آمدن علی قریب به دربار است و خوارزمشاه هوشمندانه از مسعود می خواهد که او را عفو کند و می گوید: «اگر رای عالی بیند ایشان را نگاه داشته آید و دشمن کام گردانیده نشود که پیرایه ملک پیران باشند.» (۸۴) و مسعود هرچند علی الظاهر سخن او را می پذیرد و خوارزمشاه را به جای پدر خطاب می کند، اما در نهایت علی قریب و کلیه کسان او را بازداشت کرد و به خوارزمشاه هم پیغام داد مصلحت در بازداشت کردن او بود تا خوارزمشاه فکر دیگری نکند.

در مقابل این افراد، افراد دیگری بودند در اطراف مسعود که درک درستی از اوضاع و احوال روزگار نداشتند، و جالب است که مسعود آنها را به اسم مشفق می شناخت و به حرفهای آنان که غالباً «پسریان بودند» توجه می کرد. یکی از این افراد بوسهل زوزنی است کسیکه همگان نقش او را در ماجرای بر دار کردن حسنک و پس گرفتن هدایا به یاد دارند. بوسهل و دیگران در گوش مسعود می دمیدند و این قضیه را در دل مسعود که فردی مال دوست بود را به نحو احسن جلوه دادند. «آن مال بیعتی و صلتهای که برادرت امیرمحمد داده است باز باید ستد و این پدریان به روی و ریای خود نخواهند که این مال باز خواهد داد که ایشان آلوده اند و مال

سنده‌اند دانند که باز باید داد و ناخوششان آید و من که بوسه‌لم لشکر را بر یکدیگر تسبیح کنم و براتها بنویسند تا این مال مستغرق شود و بیستگانی نباید داد...» (۲۶۴)

د- انعطاف پذیری :

انعطاف پذیری به معنای آمادگی برای ایجاد تغییر است. یعنی مشاور در صورت مواجه شدن شخص با مشکلی خاص با واقعیت و دور اندیشی بتواند به او کمک کند تا بر مشکلاتش غلبه کند. در میان مشاوران مسعود شاید بتوان گفت که فقط خواجه احمد عبدالصمد دارای این ویژگی بود و همانطور که اشاره شد در موارد متعدد به مسعود هشدار و آگاهی‌های لازم را می‌داد.

خواجه احمد با صبوری که داشت لحظه‌ای از خدمتگزاری و مشاوره دادن به مسعود تا زمانیکه زنده بود غافل نبود و در تمام موارد هوشیارانه آینده را برای او ترسیم می‌کرد و عواقب و نتایج تصمیم مسعود را به او گوشزد می‌کرد.

ه- ثبات شخصیتی :

منظور از ثبات شخصیتی وضعیتی است که فرد به حدی از رشد دست یافته باشد که تکلیفش با خودش مشخص باشد و دارای اهداف و برنامه ریزی مشخصی باشد. در بین مشاوران مسعود همگی مشاوران او این ویژگی را داشتند اما متأسفانه از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کردند بدون اینکه دلشان برای حکومت و کشور بسوزد.

بوسهل زوزنی در ماجرای بر دار کردن حسنک بیشتر به دنبال انتقام و اهداف شخصی خود بود تا چیز دیگر. یا خواجه احمد حسن، همان کسی که بیهقی در مورد مرگش می‌گوید: «چون او بمرد با او کفایت، دیانت و بزرگی هم بمرد» در ماجرای نصب احمد ینالتگین به

سپهسالاری هندوستان قبل از اینکه واقعاً دلش به حال حکومت بسوزد به دنبال انتقام شخصی خود بود تا بدین وسیله هم از احمد و هم از قاضی شیراز انتقام بگیرد.

اما در اینجا هم فقط بونصر مشکان و خواجه احمد عبدالصمد بودند که واقعا دلشان به حال حکومت و کشور می‌سوخت و نمونه های متعدد آن را ذکر کردیم و در اینجا نیازی به توضیح بیشتر نیست.

نتیجه گیری:

مشاوره از ابتدای حیات بشری وجود داشته است و نمی توان تاریخ دقیقی برای آن معین کرد. این روش در تاریخ بیهقی هم وجود دارد. مشاوران مسعود با توجه به شرایط و موقعیتشان به او مشاوره‌هایی می‌دادند. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که مسعود نظر مشاوران با تجربه (پدریان) را با دیده غرض ورزی می‌نگرد و در اکثر موارد به نظر آنها توجه نمی‌کند و حتی نسبت به آنها بدبین هم می‌شود و می‌گوید «آنها با ما راست نیستند». اما در مقابل نظرات مشاوران کم تجربه (پسریان) را با دقت تمام گوش می‌دهد و به آنها عمل هم می‌کند.

اما آنچه که باعث سقوط دولت مسعود غزنوی شد مشاوران او نبودند بلکه استبداد شدید خود مسعود بود که باعث سقوط دولتش شد و این عامل باعث شد تا نظرات افراد با تدبیری مانند خواجه احمد عبدالصمد به جایی نرسد.

ما در میان مشاوران مسعود علاوه بر افراد بی‌تجربه و بی‌تدبیر مانند بوسهل زوزنی و عراقی دبیر و همچنین جماعتی از پسریان که به پدریان به چشم خائن می‌نگرستند افراد با تجربه و با تدبیری هم بودند که مشفقانه دلشان به حال حکومت و مردم می‌سوخت و سعی می‌کردند پادشاه مستبد غزنوی را با حقایق و واقعیات امور آشنا کنند که در رأس همه آنها خواجه

احمد عبدالصمد قرار داشت، فردی که در تمام لحظات زندگیش حتی موقع شنیدن مرگ فرزندش لحظه‌ای از خدمت و خدمتگزاری غافل نبود و همیشه آرای درست را بیان می‌کرد.

نقش مشاوران سلطان مسعود در امور حکومتی که در این مقاله به بررسی رفتار و آرای آنها پرداخته شد در مجموع مثبت است و اگر آرای افراد بی‌تدبیری مانند عراقی دبیر در سفر آمل به کرسی نشست و آنها جسورانه نظر می‌دادند و افراد با تدبیری مانند خواجه احمد عبدالصمد نظرشان به جایی نمی‌رسید و گوشه نشین شدند دلیلش استبداد پادشاه بود نه چیز دیگر.

منابع :

- ۱- اقبال آشتیانی، عباس، حسن پیر نیا، ۱۳۸۷، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجار*، چاپ دوم، تهران، مجید
- ۲- باسورث، ادموند کلیفورد، ۱۳۸۴، *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، چاپ چهارم تهران، امیرکبیر
- ۳- بهار، محمد تقی، ۱۳۸۶، *سبک شناسی*، جلد دوم، تهران، زوار
- ۴- بیهقی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، *تاریخ بیهقی*، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، چاپ چهارم، مشهد دانشگاه فردوسی
- ۵- جلالی، نادره، ۱۳۸۴، *سرگذشت غزنویان*، چاپ سوم، تهران، موسسه فرهنگی اهل قلم
- ۶- جورج، ریکی ال، ترزاس کریستینی، ۱۳۷۷، *روان شناسی مشاوره*، ترجمه رضا فلاحی و محسن حاجیلو، چاپ دوم، تهران، رشد

- ۷- جونز، ریچارد نلسون، ۱۳۹۱، *مقدمه‌ای بر مهارت‌های مشاوره*، ترجمه کیانوش زهرا کار و دیگران، چاپ سوم، تهران، ارسباران
- ۸- دهقانی، محمد، ۱۳۹۴، *حدیث خداوندی و بندگی*، چاپ اول، تهران، نشر نی
- ۹- رجبی، پرویز، ۱۳۸۵، *سده‌های گمشده تاریخ دوره اسلامی ایران*، تهران، پژوهاک کیوان
- ۱۰- شمشیری، بابک، خوشبخت، فریبا، ۱۳۹۱، *کلیات مشاوره و راهنمایی*، تهران، نشر آبیژ
- ۱۱- فروزانی، سیدابولقاسم (۱۳۸۷)، *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی*، تهران، سمت
- ۱۲- کاکاوند، رشید، ۱۳۸۸، *شعور قلم*، چاپ اول، تهران، ققنوس
- ۱۳- کری، جرالد، ۱۳۹۳، *مشاوره ی گروهی*، ترجمه کیانوش زهرا کار و دیگران، چاپ دوم، تهران، ویرایش
- ۱۴- گلادینگ، ساموئل، ۱۳۹۳، *اصول و مبانی مشاوره*، ترجمه مهدی گنجی، چاپ اول، تهران، نشر ساوالان
- ۱۵- گلدارد، دیوید، ۱۳۸۰، *مفاهیم بنیادی در مشاوره*، ترجمه سیمین حسینیان، تهران، کمال تربیت
- ۱۶- گیسون، رابرت، ماریان میشل، ۱۳۸۶، *زمینه مشاوره و راهنمایی*، ترجمه باقر ثنائی و دیگران، تهران، رشد
- ۱۷- گیسون، رابرت، ماریان میشل، ۱۳۷۳، *مبانی مشاوره*، ترجمه ستیلا علاقبند و دیگران، چاپ اول، تهران، ویراستار
- ۱۸- نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۹۱، *راهنمایی و مشاوره گروهی*، چاپ ششم، تهران، سمت



مجموعه چکیده مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازشناخت جایگاه نثر فارسی: آبان ۱۴۰۱

۱۹- والدمن، مریلین، ۱۳۷۵، *زمانه، زندگی و کارنامه بیهقی*، ترجمه منصوره اتحادیه، چاپ اول، تهران، تاریخ ایران

۲۰- ولفل، الیزابت رینولدز، لوئیس ئی، پاترسون، ۱۳۸۸، *فنون و فرایند مشاوره*، ترجمه علی اکبر سلیمانیان و علی محمد نظری، چاپ اول، تهران، علم

۲۱- یوسفی، غلامحسین، ۱۳۷۲، *برگ‌هایی در آغوش باد*، تهران، علمی

۲۲- یوسفی، غلامحسین، ۱۳۸۷، *دیداری با اهل قلم*، تهران، علمی